هو الله - ای بندهٔ جمال ابهی شکايت از اذيّت و مشقّت…

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



# ٤٢

### هو الله

ای بندهٔ جمال ابهی شکايت از اذيّت و مشقّت نموده بوديد که احباب ايران دائماً در تعب و زحمتند و از جور و ستم علمای شريعت و رعيّت در بلا و مشقّت. ای بندهٔ صادق، جمال قدم همواره پنجاه سال به بلايا و ضرّآء و محن و رزايا و صدمات و جور و جفا گرفتار بود. حال دل و جان چگونه راضی گردد که ما در امن و امان با راحت جان و آسايش وجدان بياسائيم؟ آن دلبر بيهمتا همواره تلخی سمّ نقيع چشيد، ما چگونه جام شهد و شکر نوشيم؟ او صدمات شديده ديد، ما چگونه راحت جديده جوئيم؟ او در زير زنجير رفت، ما چگونه شکّر و شير بياميزيم؟ اين وفا نبود و محبّت را نشايد بلکه بايد به عجز و نياز و گريه و زاری و نهايت بيقراری استدعای بلاکنيم وپيش تيغ جفا سر بنهيم و از قيد ما سوی برهيم و داد وفا بدهيم و عليک التّحيّة و الثّناء. ع ع

